

حضرت بهاء الله می فرمایند قوله تعالی :

"حکمت جوهری است جذّاب ، هر بعیدی را به مقرّ قرب جذب نماید و هر غریبی را به وطن کشاند" .

آیات الهی جلد ۲ ص ۳۸۰

عنوان : حکمت از دیدگاه امر بهائی

قسمت روحانی

۱. مناجات شروع از آثار جمال اقدس ابھی جَلَّ اسْمُهُ الاعلی
۲. مناجات دوم از آثار حضرت عبدالبهاء جَلَّ ثَنَائُهُ
۳. منتخباتی از نصوص مبارکه حضرت بهاء الله جَلَّ جَلَالُهُ
۴. منتخباتی از نصوص مبارکه حضرت عبدالبهاء جَلَّ ثَنَائُهُ

قسمت اداری

۵. حکایت " شمعون صفا "
۶. قسمتی از توقیع منیع حضرت ولی عزیز امرالله
۷. مدارا با مخاطب
۸. برنامه نوگلان بوستان الهی (به انتخاب نوگلان عزیز
۹. شور و مشورت

قسمت اجتماعی

۱۰. تنفس و پذیرائی
۱۱. مناجات خاتمه (به انتخاب تلاوت کننده

همکار گرامی

با تقدیم تحیات ابدع ابهی و اشواق خالصانه قلبی برنامه ضیافت نوزده روزه را با عنوان " حکمت از دیدگاه امر بهائی " تقدیم حضور می کنیم.

با توجه به آثار الهیه احبای الهی باید در جمیع اعمال و اقوالشان به حکمت ناظر باشند زیرا اجرای حکمت در کلیه امور زندگی سبب حفظ و حراست بندگان جمال اقدس ابهی می گردد . برنامه این جلسه ضیافت به بیان معنی حکمت و مصادیق آن اعم از حکمت در قول و حکمت در عمل می پردازد
امید آن که این برنامه تذکاری جهت اجرای هر چه بهتر این حکم الهی باشد .

توفیق یارتان

۱. مناجات شروع از آثار جمال اقدس ابھی جَلَّ اسْمُهُ الْعَلِيِّ

الها معبودا مسجودا

شهادت می دهد عبد تو به وحدانیت تو و فردانیت تو و از بدایع فضلت مسألت می نماید آنچه را که سزاوار بخشش تو است و ظهور و بروزش از دفتر عالم محو نشود ، سحاب او هام او را ستر ننماید و عمام ظنون او را از اشراق باز ندارد . ای کریم ، هر صاحب بَصَر و سمعی بر کرمّت شهادت داده و بر سبقت رحمت گواه . عبادت را از دریای شناسایی محروم نما و از انوار وجه ظهور منع مفرما . توئی بخشنده و مهربان . لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْعَزِيزُ الْمَنَّانُ .

ادعیه حضرت محبوب ص ۳۱۴

۷. مدارا با مخاطب

یکی از عواملی که کلام را مؤثر می سازد رعایت حال مخاطب است ؛ رعایت استعداد او ، ذوق و اشتیاق او ، حوصله و طاقت او در شنیدن و درک سخن . جمال قدم وظیفه گوینده و نویسنده را همانند تکلیف طیب بیان فرموده اند . طیب حاذق و مهربان خواص داروها را می شناسد ، احوال مریض را نیز ملاحظه می کند و آنگاه به درمان درد می پردازد . داروئی که برای مریضی سبب علاج است ممکن است برای دیگری موجب هلاک گردد . چنین است که حق فرموده است : " بیان در هر مقامی به شأنی ظاهر و به اثری باهر و از او عَرَفَ خَيْر و شَرُّ مُتَضَوِّع . "

جمال مبارک در آثار شریف خود گویندگان را هدایت و نصیحت می فرمایند و در این نصایح گاهی کلمه حکیم را به کار می برند . کلمه حکیم معنائی چند گانه دارد ؛ از جمله هم به فیلسوف و انسان خردمند و آگاه اطلاق می شود و هم به طیب . می فرمایند : " حکیم دانا باید به کمال مدارا تکلم فرماید تا از حلاوت بیان کل بما یَبْغَى لِلْإِنْسَانِ فَائِزٌ شُونَ . " و همچنین می فرمایند : " یک کلمه به مثابه نار است و آخری به مثابه نور و اثر هر دو در عالم ظاهر . لذا باید حکیم دانا در اوّل به کلمه ای که خاصیت شیر در او باشد تکلم نماید تا اطفال روزگار تربیت شوند و به غایت قُصَوای وجود انسانی که مقام ادراک و بزرگی است فائز گردند . "

برگرفته از مقاله سخن نافذ و نفوذ سخن با اندکی تصرف - پیام بهائی شماره ۱۹۳

"دو نفر از حواریون حضرت روح به جهت تبلیغ امرالله به شهر انطاکیه رفتند . به مجرد ورود بنای وعظ و بیان نمودند . اهالی چون به کلی از مسائل الهی بی خبر بودند ، جَزَع و فَزَع نمودند . این جزع و فرع ، مُنتَجِح حِس و زجر شد و به هیچ وجه نفوس از تفصیل خبر نیافته ، راه معاشرت و الفت مقطوع گشت و چون این خبر به "شمعون صفا" رسید ، عزم آن دیار نمود . چون وارد شد اول به معاشرت و الفت پرداخت تا با سران و سروران نردِ محبّت باخت . به ژهد و ورع و تقوی و بیان فضائل و خصائلِ عالمِ انسانی در مدتی قلیله شهرت یافت ؛ تا آنکه با سلطانِ آن مملکت آشنا گشت و چون ملکِ مذکور نهایتِ اعتماد و اعتقاد را در حقّ او حاصل نمود ، شبی به مناسبتی ذکرِ حواریین شد . پادشاه ذکر نمود که دو نفر از جاهلانِ بی خردان چندی پیش وارد این شهر شدند و بنای حرفهای فساد گذاشتند ، لهذا آنها را گرفته ، اسیرِ غُل و زنجیر نمودیم . حضرت شمعون اظهارِ میلِ ملاقات ایشان نمود . احضار کردند . به مقتضای حکمت ، تجاهل فرمود و سؤال کردند که شما کیستید و از کجا آمده اید ؟ در جواب گفتند که ما بندگان حضرت روح الله هستیم و از اورشلیم می آییم . سؤال از حضرت روح نمود که او کیست ؟ گفتند موعودِ تورات است و مقصودِ جمیع عباد . بعد به نوعِ مُعارض از جزئی و کلی مسائل سوال نمود ، مجادله کرد و از نفسِ سوال می فهمانید که چه جواب بدهید . مختصر این است که شُبّهاتِ قوم را فرداً فرداً ذکر نمود و جواب دادند . گاهی بعضی را قبول می نمود و بعضی رامشکلات بیان می کرد که ملتفت نشوند که او هم از آنهاست . خلاصه چند شب بر این منوال به سوال و جواب گذرانند . گاهی مجادله و گاهی مُصادقه و دمی مباحثه و وقتی مُحاوره می فرمود تا جمیع حاضرین از اُسِّ مطالبِ الهیه باخبر شدند و آنچه شُبّهات داشتند زائل شد . در ليله اخیره گفت که حقیقتش این است که آنچه گفتند صحیح است و جمیع تصدیق نمودند . آن وقت فهمیدند که این ثالث رفیقِ آنِ اِثْنین است "

۴. منتخباتی از نصوص مبارکه حضرت عبدالبهاء جَلَّ ثَنَاؤُهُ

"در الواح الهی ذکر حکمت گشته و بیان مراعات مقتضیات مکان و وقت شده . مراد سکون روحی و شئون عنصری نبوده ؛ بلکه مراد الهی این بوده که شمع در جمع برافروزد نه در صحرای بی نفع ؛ ماء فیض الهی بر ارض طیبه نازل گردد نه ارض جَرزه . وَاَلَا خَامُوشِي شَمْعٍ رَا حَكْمَتٍ نَتَوَانُ كَقِفْتٍ وَ پَرِيشَانِي جَمْعٍ رَا عَلَامَتٍ وَحَدَثٍ نَتَوَانُ شَمْرَدٍ . افسردگی و مردگی ، حیات و زندگی تعبیر نشود و ناتوانی و درماندگی هوشمندی و زیرکی نگردد . " ۱

"و آنچه در الواح الهی ذکر حکمت است مقصود این است که در امور اتقان شود و در هر امری به وسائط کامله و مناسب زمان و مکان تشبث شود تا مریض معالجه به قاعده گردد و علیل مداوا به نوع موافق ؛ نه اینکه به کلی از معالجه و مداوا دست کشیده شود . هیکل امکان مریض است و جسم کیهان علیل . اگر طیب و پرستار به کلی ترک علاج و دوا نماید به کلی مُهْمَلٌ و مُعْطَلٌ گردد بلکه به مرض موت مبتلا شود ... " ۲

- ۱ گلزار تعالیم بهائی ص ۱۵۸

- ۲ راهنمای تبلیغ ص ۸۰

۶. قسمتی از توقیع منیع حضرت ولی عزیز امرالله

حضرت ولی امرالله می فرمایند قوله العزیز :

"در بیان وجوه امتیاز و تعالیم امر باید با آنان (شعوب و اجناس مختلفه) نوعی رفتار نمایند که نه حس مخالفت آنان برانگیخته شود و نه نشانه ضعف و سستی باشد ؛ نه متعصب باشند و نه در آزادی خواهی افراط کنند بر حسب موقع محتاط باشند یا جسور ، سریع العمل باشند یا صبور " .

حصن حصین شریعت الله ص ۳

۳. منتخباتی از نصوص مبارکه حضرت بهاءالله جلّ جلاله

"إِنَّا نُوصِيكُم بِالْحِكْمَةِ . حکمت اعمال و افعالی است که سبب آگاهی غافل های عالم است و همچنین تقرب ایشان است به حزب الله ... باید حکمای ارض به کمال رأفت و محبت عباد را به شریعه الله و مشرق عنایتش دعوت نمایند " .

" و از حکمت ، ملاحظه مقامات است و سخن گفتن به اندازه شأن و از حکمت ، حزم است ... " ۲

"الیوم هیکل عدل ، تحت مخالفِ ظلم و اعتساف مشاهده می شود . از حق جلّ جلاله بخواهید تا نفوس را از دریای آگاهی بی نصیب نفرماید ؛ چه اگر فی الجملة آگاه شوند ، ادراک می نمایند که آنچه از قلم حکمت جاری و ثبت شده به منزله آفتاب است از برای جهان . راحت و امنیت و مصلحت کُل در آنست و آلا هر یوم بلای جدیدی ارض را اخذ نماید و فتنه تازه ای بر پا شود . انشاءالله نفوس عالم موفق شوند و سُرج بیانات مشفقانه را به مصابیح حکمت حفظ نمایند . امید هست که کُل به طراز حکمت حقیقی که اُس اساس سیاست عالم است مُزین گردند . "

۳

۱- گلزار تعالیم بهائی ص ۱۵۶ و ۱۵۷

۲- گلزار تعالیم بهائی ص ۱۵۷

۳- آیات الهی جلد اول ص ۳۳۵

۲. مناجات دوم از آثار حضرت عبدالبهاء جَلَّ تَنَائُهُ

هو الله

ای پروردگار دردمندان را درمان کن و هوشمندان را محرم ایوان . اُفقِ عَلَیِّین را به نور مُبیین روشن نما و ساحت دل ها را رشک گلزار و گلشن کن . هر یک از احبّا را نجم هُدی نما و هر یک از اهل وفا را کوکبی ساطع در افق اعلی . نهالهای حدیقه رحمانیت را طراوت و لطافت بخش و نورسیدگان بارگاه احدیت را صباحت و ملاححت ده . بندگان دیرینت را انوار علیین فرما و آزادگان قدیم را شهریاران اقلیم نعیم کن . رویشان برافروز و خویشان را مُشکِ جان فرما و آفاق را معطر و معنبر نما دستشان , یدِ بیضا نما و لفظشان لؤلؤ لالا . برهانشان تُعبان مبین کن و دلیلشان سنوحات علیین . ظهیرشان شدیدُ القوی کن و نصیرشان جنود ملکوت ابهی . ع ع

مجموعه مناجات های حضرت عبدالبهاء چاپ آلمان ص ۱۷